

# Legal Liability of E-commerce Platforms in the Disclosure of Customers' Commercial Data: A Comparative Approach in Cyber and Commercial Legal Systems

Leila Ghasempour<sup>1</sup>

1-M.A. Student in Law, Kerman University, Kerman, Iran

## ABSTRACT

The legal responsibility of e-commerce platforms in the disclosure of customers' commercial data is one of the most significant challenges in the fields of cyber law and commercial law in the era of information technology. This article aims to examine the legal foundations of civil liability of e-commerce platforms regarding the protection of users' commercial data and to analyze the gaps and shortcomings of the current laws. The main research question is how the existing legal systems can determine the legal responsibility of these platforms in disclosing commercial data and provide appropriate enforcement guarantees. The necessity of this research arises from the significant increase in the use of e-commerce platforms and the growth of new technologies, which have caused numerous legal issues in the field of protecting sensitive data, accompanied by legal gaps and lack of specific regulations. The research method in this article is descriptive-analytical and comparative, conducted through documentary study and review of domestic and international laws, legal doctrines, and relevant judicial precedents. The findings indicate that existing laws in Iran lack comprehensive definitions and sufficient enforcement guarantees to protect commercial data on e-commerce platforms, which has increased the vulnerability of users' rights and decreased public trust in these technologies. Moreover, by comparing different legal systems, solutions for legal reform and drafting specific regulations for smart contracts and civil liability in this field are proposed. The innovation of this study lies in the analytical combination of cyber law and commercial law topics and the provision of a coherent framework for the legal responsibility of platforms in disclosing commercial data, which can pave the way for new legal policymaking.

### Keywords:

Legal Responsibility, E-commerce Platforms, Commercial Data, Smart Contracts, Cyber Law

**How to Cite:** ghasempour, L. (2025). Legal Liability of E-commerce Platforms in the Disclosure of Customers' Commercial Data: A Comparative Approach in Cyber and Commercial Legal Systems. *Cyber Law*, 1(4), 19-31.

**DOI:** 10.22054/jocl.2325.75063.2337

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



\* Corresponding Author: leila.ghasempour@kermanu.ac.ir

## بررسی مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان: رویکردی تطبیقی در نظام‌های حقوق سایبری و بازرگانی

لیلا قاسمی پور<sup>۱</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه کرمان، کرمان، ایران

### چکیده

موضوع مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان از مهم‌ترین چالش‌های حقوق سایبری و بازرگانی در عصر فناوری اطلاعات به شمار می‌رود. این مقاله با هدف بررسی مبانی حقوقی مسئولیت مدنی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در قبال حفاظت از داده‌های تجاری کاربران و تحلیل خلأها و کاستی‌های قوانین فعلی تدوین شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان با تکیه بر نظام‌های حقوقی موجود، مسئولیت حقوقی این پلتفرم‌ها را در زمینه افشای داده‌های تجاری تعیین و ضمانت اجرایی مناسبی برای آن فراهم کرد؟ ضرورت پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که افزایش چشمگیر استفاده از پلتفرم‌های تجارت الکترونیک و رشد فناوری‌های نوین، زمینه‌ساز بروز مشکلات حقوقی متعددی در حوزه حفاظت از داده‌های حساس شده است که با خلأهای قانونی و فقدان مقررات مشخص همراه است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است که با مطالعه اسنادی و بررسی قوانین داخلی و بین‌المللی، نظریات دکترین حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قوانین موجود در ایران فاقد تعاریف جامع و ضمانت‌های اجرایی کافی برای حمایت از داده‌های تجاری در پلتفرم‌های تجارت الکترونیک هستند و این موضوع موجب افزایش آسیب‌پذیری حقوق کاربران و کاهش اعتماد عمومی به این فناوری‌ها شده است. همچنین، با مقایسه نظام‌های حقوقی مختلف، راهکارهایی برای اصلاح قوانین و تدوین مقررات خاص قراردادهای هوشمند و مسئولیت مدنی در این حوزه ارائه شده است. نوآوری این پژوهش در ترکیب تحلیلی مباحث حقوق سایبری و بازرگانی و ارائه چارچوبی منسجم برای مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در افشای داده‌های تجاری است که می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های حقوقی جدید باشد.

### کلیدواژه‌ها:

مسئولیت حقوقی، پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، داده‌های تجاری، قرارداد هوشمند، حقوق سایبری

### نحوه استناد:

قاسم پور، لیلا. (۱۴۰۳). بررسی مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان: رویکردی تطبیقی در نظام‌های حقوق سایبری و بازرگانی. حقوق سایبری، ۱۹(۴)، ۳۱-۱۹.

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کربیتو کامنز انتساب - غیرتجاری ۴.۰ بین‌المللی منتشر شده است.

©نویسندگان



\* ایمیل نویسنده مسئول: leila.ghasempour@kermanu.ac.ir

## مقدمه :

موضوع مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان از جمله مسائل اساسی و پیچیده در عرصه حقوق سایبری و حقوق بازرگانی به شمار می‌آید که در نظام‌های حقوقی مختلف، توجه فزاینده‌ای به آن شده است. این موضوع به دلیل ماهیت خاص تجارت الکترونیک و گستردگی استفاده از داده‌های مشتریان، اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ زیرا افشای غیرمجاز این داده‌ها می‌تواند به نقض حقوق مالکیت اطلاعاتی و حریم خصوصی افراد منجر شده و پیامدهای سنگین حقوقی و تجاری برای پلتفرم‌ها و کاربران به همراه داشته باشد. در قوانین داخلی ایران، به رغم وجود مقررات عمومی مانند ماده ۱۰ قانون مدنی در خصوص الزام به رعایت حقوق دیگران و ماده ۵ قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) که صراحتاً به حفظ اسرار کاربران و جلوگیری از سوء استفاده از داده‌های الکترونیکی تأکید دارد، اما عدم وجود مقررات اختصاصی و جامع درباره مسئولیت پلتفرم‌ها در افشای داده‌های تجاری موجب خلأ حقوقی قابل توجهی شده است که این مسئله به ویژه با توسعه سریع فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی شدت یافته است. در سطح بین‌المللی نیز، سازمان‌هایی مانند اتحادیه اروپا با تصویب مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) و همچنین دستورالعمل‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در زمینه حفاظت از داده‌های شخصی، تلاش کرده‌اند تا چارچوب‌های حقوقی مناسبی برای تنظیم مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال فراهم آورند؛ اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و حقوقی کشورهای مختلف، اجرای این مقررات با چالش‌هایی مواجه است که نیازمند بررسی تطبیقی دقیق و جامع است.

اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که تجارت الکترونیک به عنوان بستری کلیدی در اقتصاد دیجیتال امروز نقش آفرینی می‌کند و اعتماد کاربران به پلتفرم‌ها یکی از ارکان حیاتی پایداری این زیست‌بوم اقتصادی است. افشای داده‌های تجاری نه تنها می‌تواند به از بین رفتن این اعتماد منجر شود، بلکه تبعاتی از قبیل خسارت‌های مالی، تخریب اعتبار تجاری و حتی ورود به حوزه جرایم سازمان‌یافته سایبری را به دنبال دارد. از منظر حقوقی، سوالات متعددی درباره محدوده مسئولیت پلتفرم‌ها، نحوه اثبات تقصیر یا قصور، و میزان جبران خسارت مطرح است که پاسخ به این سوالات نیازمند تحلیل دقیق مبانی حقوقی و تبیین قواعد مرتبط با حفاظت از داده‌ها و مسئولیت مدنی و کیفری در فضای سایبری است.

در پژوهش‌های انجام شده، توجه قابل توجهی به ابعاد مختلف این موضوع معطوف شده است. به عنوان نمونه، مطالعات احمدی (۱۳۹۷) به بررسی حقوقی مسئولیت مدنی ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی پرداخته و خلأهای قانونی موجود را در نظام حقوقی ایران برجسته ساخته است. همچنین کارهای نیکنام (۱۳۹۸) و مرادی (۱۳۹۹) به تحلیل تطبیقی مقررات GDPR و قوانین ایران درباره حفاظت از داده‌ها اختصاص یافته که نشان می‌دهد ایران در زمینه تنظیم مقررات تخصصی فاصله قابل توجهی با استانداردهای بین‌المللی دارد. در حوزه بازرگانی الکترونیک، پژوهش‌های فراهانی (۱۳۹۶) و کاظمی (۱۴۰۰) با تمرکز بر جنبه‌های قراردادی و الزام‌آور بودن سیاست‌های حفظ حریم خصوصی، به چالش‌های اجرایی و حقوقی پرداخته‌اند. در سطح بین‌المللی، مطالعاتی چون کارهای اسمیت (۲۰۱۸) و جانسون (۲۰۱۹) به تحلیل آثار افشای داده‌های تجاری بر حقوق رقابت و مالکیت فکری پرداخته و چارچوب‌های حقوقی متنوع را مقایسه کرده‌اند. این پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که موضوع مسئولیت پلتفرم‌ها در افشای داده‌های تجاری پیش از این مورد توجه قرار

گرفته، اما هنوز تحلیل جامعی که خلأهای قانونی و عملی را به صورت تطبیقی میان نظام‌های مختلف مورد بررسی قرار دهد، به صورت کامل وجود ندارد.

از سوی دیگر، با گسترش روزافزون فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین، هوش مصنوعی و قراردادهای هوشمند در حوزه تجارت الکترونیک، مباحث جدیدی از جمله اثبات تقصیر و اثبات مسئولیت بدون تقصیر مطرح شده که نیازمند چارچوب‌های حقوقی تازه و انعطاف‌پذیر است. همچنین، پرسش‌هایی پیرامون تعامل مقررات ملی و بین‌المللی، نقش نهادهای تنظیم‌گر و رویه قضایی در حمایت از حقوق کاربران و تضمین شفافیت در عملکرد پلتفرم‌ها اهمیت فزاینده یافته است. به همین دلیل، پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از: «مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در قبال افشای داده‌های تجاری مشتریان چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟»، «چالش‌های حقوقی و عملی موجود در این زمینه کدام‌اند؟» و «با توجه به تجارب تطبیقی، چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت حقوقی موجود قابل ارائه است؟» اهداف این مقاله در راستای پاسخ به این پرسش‌ها تبیین مبانی حقوقی مسئولیت مدنی و کیفری پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری و ارائه راهکارهای عملی و اصلاحی در نظام حقوقی ایران و سایر کشورها است. روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. در ابتدا با استفاده از منابع حقوقی داخلی شامل قوانین، آیین‌نامه‌ها، رویه قضایی و نظریات دکترین حقوقی و همچنین منابع بین‌المللی مانند مقررات GDPR، اسناد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و رویه قضایی کشورهای مختلف، وضعیت فعلی مسئولیت پلتفرم‌ها در افشای داده‌های تجاری بررسی می‌شود. سپس چالش‌های حقوقی موجود از منظر حقوق ایران و مقایسه با نظام‌های دیگر تحلیل و ارزیابی می‌گردد. در نهایت، بر اساس یافته‌های تطبیقی، راهکارهای عملی به منظور ارتقای امنیت حقوقی کاربران و تنظیم مقررات مرتبط پیشنهاد می‌شود. این روش پژوهشی امکان ارائه دیدگاهی جامع، علمی و عمیق درباره موضوع را فراهم آورده و بر اساس آخرین دستاوردهای علمی و تجربی تدوین شده است. در این مسیر تلاش شده است تا با بهره‌گیری از منابع معتبر و ارجاعات دقیق به استانداردهای بین‌المللی، تحلیل حقوقی متقنی ارائه گردد که هم خلأهای قانونی موجود را شناسایی کند و هم پیشنهادهای اصلاحی قابل اجرا برای قانونگذاران و مراجع قضایی ارائه نماید.

این مقدمه نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان است و می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه تحقیقات بیشتر در این حوزه فراهم آورد. همچنین، با توجه به تحول سریع فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تأثیرات گسترده آن بر نظام‌های حقوقی، پرداختن به چنین موضوعاتی نقشی کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های حقوقی آینده خواهد داشت.

مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان، موضوعی است که در حوزه حقوق سایبری و حقوق بازرگانی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. برای فهم بهتر این موضوع، ابتدا لازم است مفاهیم کلیدی تحقیق به صورت دقیق تعریف و تبیین شوند تا بستر مناسبی برای تحلیل‌های بعدی فراهم گردد. یکی از مفاهیم اصلی، «مسئولیت مدنی» است که در ادبیات حقوقی به معنای الزام قانونی فرد یا نهاد به جبران خسارت وارده به دیگری بر اثر فعل یا ترک فعل غیرمجاز یا خلاف قرارداد اطلاق می‌شود. ماده ۲۹۰ قانون مدنی ایران مسئولیت مدنی را بر اساس تقصیر تعریف می‌کند، اما در فضای سایبری و به‌ویژه در حوزه تجارت الکترونیک، مسئولیت بدون تقصیر نیز مطرح است که چارچوب آن در قوانین ایران به صورت محدود وجود دارد و نیازمند توسعه است (نجفی، ۱۳۹۵). این

مفهوم در بستر حفاظت از داده‌های تجاری اهمیت دوچندان می‌یابد، زیرا نقض محرمانگی داده‌ها می‌تواند به خسارات مادی و معنوی گسترده‌ای منجر شود که الزام به جبران آن را توجیه می‌کند.

«قرارداد الکترونیکی» یکی دیگر از مفاهیم کلیدی است که در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، در ماده ۳ تعریف شده و به توافقی اطلاق می‌شود که به صورت الکترونیکی میان طرفین برقرار می‌گردد. این نوع قراردادها با توجه به ماهیت فناوری، تفاوت‌های بنیادینی با قراردادهای سنتی دارند و از آنجا که اغلب داده‌های تجاری در این بستر جابجا می‌شوند، نحوه مسئولیت در افشای داده‌ها در این چارچوب باید مورد توجه قرار گیرد. «اصل بی‌طرفی» یا Neutrality نیز مفهومی است که در حقوق فناوری اطلاعات به معنای عدم تبعیض پلتفرم‌ها نسبت به کاربران و داده‌های آنها تعبیر می‌شود و نقش کلیدی در حفظ امنیت داده‌ها و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۸).

مبانی نظری موضوع را می‌توان در چهار حوزه اصلی خلاصه کرد: فلسفه حقوق، فقه اسلامی، حقوق مدنی و حقوق بین‌الملل. از منظر فلسفه حقوق، نظریه عدالت به ویژه عدالت اطلاعاتی اهمیت دارد که بر اساس آن، حفاظت از داده‌های شخصی و تجاری، مصداق رعایت عدالت در دسترسی و کنترل اطلاعات است (رابرتسون، ۲۰۰۹). در فقه اسلامی، اصل حفظ عرض و مال از اصول بنیادین محسوب می‌شود و بر اساس قواعد فقهی، نقض حقوق مالکیت یا افشای اسرار دیگران ممنوع و مستوجب تعقیب است (کاظمی‌نژاد، ۱۳۹۶). در حقوق مدنی، مبانی مسئولیت مدنی از جمله اصل «عدم ورود ضرر» و «الزام به جبران خسارت» مطرح است که در مواد ۳۹۹ تا ۴۰۵ قانون مدنی به تفصیل آمده‌اند. همچنین، در حقوق بین‌الملل خصوصی و سایبری، اسناد معتبری همچون مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) اتحادیه اروپا، چارچوب حقوقی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و کنوانسیون سایبری شورای اروپا، راهنمایی‌های ارزشمندی برای تدوین مقررات ملی فراهم آورده‌اند (فدراسیون بین‌المللی حقوقدانان، ۲۰۱۸).

در این راستا، نظریه‌های حقوقی متعددی درباره مسئولیت پلتفرم‌ها در افشای داده‌ها مطرح شده است. گروهی از حقوق‌دانان مانند زرین کوب (۱۳۹۷) معتقدند مسئولیت صرفاً در صورت اثبات تقصیر پلتفرم قابل اعمال است و باید از سازوکارهای سنتی مسئولیت مدنی بهره برد. در مقابل، دسته‌ای مانند جمشیدی (۱۳۹۹) بر ضرورت پذیرش مسئولیت بدون تقصیر به ویژه در موارد افشای داده‌های حساس تأکید دارند و استدلال می‌کنند که ماهیت فناوری‌های نوین ایجاب می‌کند چارچوب‌های سنتی مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین، نظر زرنگ (۱۳۹۵) در تحلیل حقوقی قراردادهای هوشمند، بر اهمیت شفافیت و ضمانت اجرایی قوی برای جلوگیری از افشای غیرمجاز داده‌ها تأکید دارد. نظریه دیگری که توسط احمدی (۱۳۹۸) مطرح شده، اهمیت اصل بی‌طرفی در پلتفرم‌ها و لزوم تنظیم مقرراتی است که مانع تبعیض و سوء استفاده شود. این دیدگاه‌ها در قالب مواد قانونی نیز قابل ردیابی است؛ برای مثال ماده ۵ قانون جرائم رایانه‌ای، ماده ۸ قانون تجارت الکترونیکی و بندهایی از مقررات GDPR.

پیشینه پژوهش در این زمینه بسیار گسترده است و هم مطالعات داخلی و هم خارجی به آن پرداخته‌اند. در ایران، پژوهش‌های احمدی (۱۳۹۷)، نیکنام (۱۳۹۸)، فراهانی (۱۳۹۶)، مرادی (۱۳۹۹) و کاظمی (۱۴۰۰) هر یک از زاویه‌ای به تحلیل مسائل مرتبط با مسئولیت پلتفرم‌ها و حفاظت از داده‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها اغلب به بررسی قوانین موجود، خلأهای قانونی و مقایسه با مقررات بین‌المللی پرداخته و به نبود یک چارچوب حقوقی منسجم اشاره کرده‌اند. در سطح بین‌المللی، مطالعات اسمیت (۲۰۱۸)، جانسون (۲۰۱۹)، براون (۲۰۲۰) و همکاران (۲۰۲۱) با تحلیل تطبیقی مقررات

GDPR و رویه‌های قضایی کشورهای مختلف، تأثیرات حقوقی افشای داده‌ها را در بازارهای دیجیتال مورد بررسی قرار داده‌اند و راهکارهایی را پیشنهاد کرده‌اند که می‌تواند الگوی مناسبی برای نظام حقوقی ایران باشد. با وجود این پژوهش‌ها، مقاله حاضر سعی دارد خلأهای موجود را پر کند و فراتر از تحلیل‌های صرفاً توصیفی و تطبیقی، با رویکردی تحلیلی و راهبردی، چارچوبی پیشنهادی برای تنظیم مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها ارائه دهد که هم با شرایط بومی ایران سازگار باشد و هم از نظر تطبیقی با استانداردهای جهانی هماهنگ باشد. این مهم از آن جهت ضروری است که در فضای تجارت الکترونیک، عدم وجود قواعد شفاف و ضمانت‌های اجرایی، نه تنها موجب افزایش ریسک‌های حقوقی برای پلتفرم‌ها و کاربران می‌شود، بلکه اعتماد عمومی را به فناوری‌های نوین مخدوش می‌کند و توسعه اقتصادی دیجیتال را تهدید می‌نماید. همچنین، این مقاله با تلفیق مبانی فلسفی، فقهی و حقوقی، تلاش می‌کند تا رویکردی جامع و همه‌جانبه ارائه نماید که می‌تواند مبنایی برای اصلاح قوانین موجود و تدوین سیاست‌های نوین حقوقی باشد. بنابراین، می‌توان گفت که بدنه تحقیق با تکیه بر تعاریف دقیق مفاهیم کلیدی، مبانی نظری مستحکم، بررسی جامع ادبیات موضوع داخلی و خارجی و ارائه تحلیل تطبیقی، در مسیر گسترش دانش حقوقی مرتبط با مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک و حفاظت از داده‌های تجاری حرکت می‌کند. این رویکرد موجب می‌شود تا جایگاه پژوهش حاضر به‌وضوح در میان تحقیقات قبلی مشخص شده و به عنوان منبعی معتبر برای قانونگذاران، حقوقدانان و فعالان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد استفاده قرار گیرد.

### تحلیل و بررسی:

مسئله مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند تحلیل دقیق و همه‌جانبه از جنبه‌های مختلف حقوقی است. نخست باید چارچوب قوانین داخلی را با دقت بررسی کرد تا میزان پوشش حقوقی و ضعف‌ها و قوت‌های موجود مشخص شود. سپس رویه قضایی و دیدگاه مراجع قضایی ایران درباره موارد مرتبط با افشای داده‌ها و مسئولیت پلتفرم‌ها بررسی می‌شود. در نهایت، مقایسه‌ای تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر و اسناد بین‌المللی کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف قوانین داخلی بهتر درک گردد و راهکارهای مؤثر پیشنهاد شود.

در بررسی قوانین داخلی، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ نخستین و مهم‌ترین منبع حقوقی به‌شمار می‌رود. ماده ۸ این قانون، مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات را در قبال داده‌های کاربران مورد تأکید قرار داده است؛ اما این ماده ابهاماتی دارد که در عمل باعث خلأهای حقوقی شده است. به‌طور مشخص، قوانین ایران مسئولیت پلتفرم‌ها را به صورت محدود و غالباً مبتنی بر تقصیر یا سوءنیت تنظیم کرده‌اند، در حالی که فناوری‌های نوین و گستردگی اطلاعات باعث شده امکان نظارت و کنترل دقیق برای پلتفرم‌ها دشوار گردد. ماده ۱۰ قانون مدنی ایران نیز مسئولیت ناشی از فعل غیرقانونی را تعریف می‌کند، اما در زمینه داده‌های تجاری که معمولاً ماهیتی دیجیتال و در بسترهای پیچیده دارند، کارکرد این ماده محدود است (نجفی، ۱۳۹۵: ص. ۱۴۸). علاوه بر این، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و اصلاحات بعدی آن، به‌طور کلی افشای داده‌های غیرمجاز را جرم‌انگاری کرده است، اما نحوه برخورد با پلتفرم‌هایی که به دلایل مختلف ممکن است داده‌های کاربران را در معرض افشا قرار دهند، به صورت دقیق مشخص نشده است. در نتیجه، قوانین داخلی فاقد مقررات صریح و کاربردی در مورد مسئولیت بدون تقصیر و ضمانت‌های اجرایی مؤثر برای محافظت از داده‌های تجاری هستند.

بررسی دقیق رویه قضایی ایران در خصوص مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان نشان می‌دهد که دادگاه‌ها عمدتاً بر مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر، اقدام به قضاوت کرده‌اند. این بدان معناست که برای احراز مسئولیت پلتفرم‌ها، وجود خطا، کوتاهی یا غفلت اثبات شود و بدون اثبات این موارد، مسئولیتی برای پلتفرم‌ها متصور نیست. چنین رویکردی ریشه در اصول کلی مسئولیت مدنی در قانون مدنی ایران دارد که بر اساس ماده ۲۹۰ و ماده ۳۲۹ این قانون، مسئولیت متوجه کسی است که بر اساس فعل یا ترک فعل خود خسارتی را موجب شده باشد و اثبات تقصیر نیز از وظایف مدعی است. این اصول سنتی، در حالی که برای مسئولیت در زمینه‌های عادی و ملموس کفایت می‌کنند، در مواجهه با جرایم و تخلفات حوزه فناوری‌های نوین و تجارت الکترونیک با پیچیدگی‌های فراوانی مواجه شده‌اند.

بر اساس آرای صادره توسط دیوان عالی کشور، به ویژه رأی شماره ۵۲۳، تأکید اصلی بر الزام به اثبات تقصیر است. در این رأی، دیوان عالی کشور تصریح کرده است که پلتفرم‌ها در صورتی مسئول شناخته می‌شوند که تقصیر آنها ثابت شود و صرف وقوع خسارت یا افشای داده‌ها بدون وجود تقصیر، دلیل بر مسئولیت نیست. این حکم در مواردی که خسارات ناشی از افشای داده‌های تجاری است، به دلیل دشواری اثبات تقصیر به ویژه در شرایطی که فناوری‌ها پیچیده و فرآیندهای فنی غیرشفاف هستند، منجر به محدودیت‌های قابل توجهی در حمایت از حقوق مشتریان شده است. این رویکرد قضایی که بر مبنای مسئولیت مبتنی بر تقصیر است، در عمل موجب شده تا بسیاری از دعاوی حقوقی در این حوزه ناکام بمانند و متضرران نتوانند حقوق خود را به صورت کامل احقاق کنند.

علاوه بر رویه قضایی، دیدگاه‌های حقوقی نیز در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند. برخی حقوقدانان برجسته همچون زرنگ (۱۳۹۵) بر ضرورت پذیرش مسئولیت بدون تقصیر (strict liability) در حوزه فناوری اطلاعات و به ویژه در مورد پلتفرم‌های تجارت الکترونیک تأکید کرده‌اند. به نظر این دسته از حقوقدانان، با توجه به ماهیت خاص داده‌های دیجیتال، ویژگی‌های منحصر به فرد فناوری بلاک‌چین و قراردادهای هوشمند و همچنین پیچیدگی‌های اثبات تقصیر در این زمینه، رویکرد مسئولیت بدون تقصیر می‌تواند فضای حقوقی مناسب‌تری برای جبران خسارات احتمالی ایجاد نماید. در این مدل مسئولیت، صرف وقوع خسارت و رابطه علیت بین فعل یا ترک فعل پلتفرم با خسارت ایجاد شده، کفایت می‌کند و نیازی به اثبات تقصیر وجود ندارد. این امر می‌تواند ضمن افزایش امنیت حقوقی کاربران، بازدارندگی بیشتری برای پلتفرم‌ها ایجاد کرده و زمینه‌ساز ارتقاء استانداردهای حفاظت از داده‌های تجاری باشد.

با این حال، پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در نظام قضایی ایران با چالش‌های فراوانی مواجه است. یکی از مهم‌ترین دلایل آن، نبود قانون صریح و قابل استناد در این زمینه است که به قضات و مراجع قضایی اجازه نمی‌دهد به طور گسترده این مدل مسئولیت را به رسمیت بشناسند. در نتیجه، هرچند در برخی موارد محدود و خاص، ممکن است قضات به طور موردی به پذیرش مسئولیت بدون تقصیر تمایل نشان دهند، اما این رویه به صورت فراگیر و مستمر در نظام حقوقی ایران تثبیت نشده است. این وضعیت سبب شده تا خلأهای قانونی و رویه‌ای موجود، مانعی جدی برای حمایت کامل از حقوق کاربران در فضای تجارت الکترونیک باشد و از طرفی، پلتفرم‌ها نیز از مسئولیت گسترده‌تر در قبال حفاظت از داده‌های تجاری خودداری کنند.

این خلأ در رویه قضایی نه تنها موجب نارضایتی مشتریان و کاربران می‌شود بلکه به شکل ضمنی به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد تا با ریسک‌های محدودتری نسبت به حفظ و حراست از داده‌های تجاری برخورد کنند. در حالی که

مسئولیت‌های گسترده‌تر می‌توانست به آنها انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در تدابیر امنیتی و حفاظت از داده‌ها بدهد، رویکرد فعلی ممکن است به نوعی بی‌تفاوتی حقوقی منجر شود که پیامدهای منفی گسترده‌تری بر اعتماد عمومی و توسعه بازارهای دیجیتال خواهد داشت.

علاوه بر دیدگاه‌های مشورتی و آرای دیوان عالی کشور، تحلیل مبانی نظری مسئولیت مدنی در این حوزه نیز به وضوح نشان می‌دهد که مسئولیت ناشی از تقصیر در چارچوب سنتی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای حقوقی امروز باشد. با توجه به ماهیت داده‌های تجاری که عمدتاً غیرمادی، قابل کپی‌برداری و پیچیده هستند و همچنین سرعت تغییرات فناوری‌های مرتبط با تجارت الکترونیک، انتظار می‌رود که نظام حقوقی با پذیرش رویکردهای نوین مسئولیتی، مانند مسئولیت بدون تقصیر و حتی مسئولیت مبتنی بر خطر، نسبت به تضمین حقوق کاربران اقدام کند. برخی نظریه‌پردازان حقوق مدنی، با استناد به قواعد کلی مسئولیت مدنی و تطورات حقوقی بین‌المللی، پیشنهاد کرده‌اند که پذیرش مدل‌های مسئولیت نوین می‌تواند نظام حقوقی را به سمت انعطاف‌پذیری و پاسخگویی بیشتر در قبال فناوری‌های نوین سوق دهد.

در این میان، مقایسه رویه قضایی ایران با سایر نظام‌های حقوقی پیشرفته نیز نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجهی است. به طور مثال، در نظام حقوقی ایالات متحده و کشورهای اروپایی، مفهوم مسئولیت بدون تقصیر یا *strict liability* در زمینه حفاظت از داده‌های دیجیتال به طور گسترده پذیرفته شده و بسیاری از قوانین و مقررات این کشورها پلتفرم‌ها را حتی بدون اثبات تقصیر مسئول دانسته‌اند. به عنوان نمونه، مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) در اتحادیه اروپا، ضمن تعیین چارچوب‌های دقیق برای حفاظت از داده‌های شخصی، مسئولیت‌های سختگیرانه‌ای را بر عهده ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال گذاشته است که موجب افزایش تعهدات حقوقی آنها می‌شود. این در حالی است که در ایران چنین چارچوب‌های قانونی جامع و دقیق وجود ندارد و خلأ موجود، تأثیر منفی بر کارایی حفاظت از داده‌ها داشته است.

بنابراین، بررسی رویه قضایی ایران در زمینه مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود تلاش‌هایی در جهت پاسخگویی به چالش‌های حقوقی این حوزه، رویکرد غالب مبتنی بر مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر است که محدودیت‌هایی جدی در حمایت از حقوق کاربران ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، پذیرش مسئولیت بدون تقصیر هنوز به صورت گسترده در نظام قضایی تثبیت نشده و به دلیل نبود قوانین صریح، هنوز به شکل موردی و محدود اعمال می‌شود. این وضعیت نیازمند اصلاحات قانونی و ارتقای آگاهی قضات و حقوق‌دانان است تا بتوانند در فضای نوین فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک، حقوق کاربران را به نحو مطلوب تضمین کنند و پلتفرم‌ها را به مسئولیت‌پذیری بیشتر ترغیب نمایند.

در نتیجه، خلأهای موجود در رویه قضایی ایران در زمینه مسئولیت پلتفرم‌ها، نه تنها به محدودیت در دسترسی کاربران به حقوقشان منجر شده بلکه باعث شده که پلتفرم‌ها کمتر متعهد به حفاظت از داده‌های تجاری باشند. این امر نیازمند ورود قانونگذار به موضوع با تدوین مقررات جامع، روشن و دقیق است که بتواند چارچوبی حقوقی متناسب با تحولات فناوری ایجاد کند. همچنین، آموزش و توانمندسازی مراجع قضایی برای مواجهه با دعاوی فناوری محور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا در نهایت نظام قضایی بتواند به طور مؤثر نقش خود را در حمایت از حقوق کاربران ایفا کند و با ایجاد تعادل میان منافع کاربران و پلتفرم‌ها، به توسعه پایدار تجارت الکترونیک کمک نماید. مقایسه تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرفته‌تر، مانند اتحادیه اروپا و ایالات متحده، نشان می‌دهد که مقرراتی همچون GDPR در اروپا یک

چارچوب حقوقی جامع و منسجم برای حفاظت از داده‌های شخصی و تجاری ارائه کرده است. این مقررات علاوه بر پیش‌بینی مسئولیت بدون تقصیر برای ارائه‌دهندگان خدمات، تضمین‌های اجرایی و جرایم سنگین برای افشای غیرمجاز داده‌ها در نظر گرفته‌اند (ماده ۵، GDPR). در مقابل، نظام حقوقی آمریکا بیشتر بر اساس رویه قضایی و قوانین خاص ایالتی تنظیم شده که در مجموع محافظت قوی‌تری نسبت به ایران از داده‌های تجاری فراهم می‌آورد. همچنین، اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون سایبری شورای اروپا، الگوهایی برای هماهنگی و همسویی مقررات ملی ارائه داده‌اند که می‌تواند راهگشای تدوین قوانین داخلی باشد (فدراسیون بین‌المللی حقوقدانان، ۲۰۱۸). این تطبیق نشان می‌دهد که نبود تعریف دقیق و مقررات صریح در قوانین ایران، نقطه ضعفی اساسی است که مانع ایجاد فضای امن حقوقی برای کاربران و پلتفرم‌ها می‌شود.

بر اساس تحلیل‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین داخلی نیازمند بازنگری جدی و به‌روزرسانی هستند تا مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک را در قبال داده‌های تجاری به‌صورت جامع و عملیاتی تعریف کنند. علاوه بر آن، رویه قضایی باید با تصویب مقررات جدید هماهنگ شود تا امکان اجرای عدالت تسهیل گردد و تضمین‌های حقوقی مناسبی برای همه ذینفعان فراهم آید. همچنین، الگوبرداری هوشمندانه از تجارب بین‌المللی و استفاده از اسناد و استانداردهای جهانی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقاء نظام حقوقی ایران ایفا کند.

در نهایت، این تحلیل نشان می‌دهد که مسئله مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها در افشای داده‌های تجاری نه تنها یک چالش حقوقی بلکه یک معضل اجتماعی و اقتصادی نیز هست که توجه و اقدام هماهنگ همه ارکان حقوقی و فناوری اطلاعات را می‌طلبد. بدون وجود ضمانت‌های اجرایی و تعریف دقیق مسئولیت، نه تنها حقوق کاربران تضییع می‌شود، بلکه امنیت و رشد اقتصاد دیجیتال نیز به خطر می‌افتد. بنابراین، تدوین سیاست‌های حقوقی نوین، آموزش قضات و قانونگذاران و ارتقاء آگاهی عمومی از اهمیت این موضوع از ضرورت‌های انکارناپذیر آینده است.

### بحث و نتیجه‌گیری:

در این مقاله، با تمرکز بر مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان، نخست به بررسی قوانین و مقررات داخلی پرداختیم و سپس رویه قضایی ایران و در نهایت نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته را مورد تحلیل قرار دادیم. تحلیل‌ها نشان داد که قوانین موجود در ایران، مانند قانون تجارت الکترونیکی و قانون جرایم رایانه‌ای، فاقد تعاریف دقیق و ضمانت‌های اجرایی کافی برای حفاظت از داده‌های تجاری هستند و مسئولیت پلتفرم‌ها عمدتاً بر مبنای تقصیر یا سوءنیت تنظیم شده است. از سوی دیگر، رویه قضایی به دلیل کمبود قوانین صریح، به پذیرش مسئولیت محدود برای پلتفرم‌ها بسنده کرده که این امر موجب ایجاد خلأهای قابل توجه در حمایت از حقوق کاربران شده است. در مقایسه با نظام‌های پیشرفته‌ای مانند اتحادیه اروپا و ایالات متحده، مشخص شد که نبود چارچوب جامع و به‌روز در ایران، فضای حقوقی را برای کاربران ناامن می‌کند و رشد اقتصاد دیجیتال را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در ایران به صورت ناقص و ناکافی تعریف شده است و فقدان قوانین صریح و ضمانت‌های اجرایی مناسب، موجب شده که کاربران و صاحبان داده‌های تجاری در برابر افشای غیرمجاز داده‌ها با مخاطرات و مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. این وضعیت نه تنها به ضرر کاربران است، بلکه باعث کاهش اعتماد عمومی به فناوری‌های نوین و پلتفرم‌های تجارت الکترونیک می‌شود و پیامدهای منفی قابل توجهی برای توسعه اقتصاد دیجیتال در کشور دارد.

آثار و پیامدهای حقوقی نتایج حاصل از بررسی مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری مشتریان بسیار گسترده و پیچیده است. این موضوع در سه حوزه اصلی حقوقی شامل رویه قضایی، قانونگذاری و سیاست‌های کلان فناوری قابل بررسی است و هر کدام از این حوزه‌ها نیازمند اصلاحات و تدابیر دقیق برای تضمین امنیت حقوقی کاربران و توسعه پایدار بازارهای دیجیتال می‌باشند.

در سطح رویه قضایی، خلأ قوانین صریح و مشخص در زمینه مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های تجاری موجب شده که قضات با مشکلات جدی در صدور آراء مواجه شوند. فقدان تعریف دقیق دارایی‌های دیجیتال و داده‌های تجاری در قوانین فعلی، دامنه مسئولیت پلتفرم‌ها را مبهم ساخته و این امر به محدودیت‌هایی در حمایت از حقوق متضرران منجر شده است. در بسیاری از پرونده‌ها، دادگاه‌ها به دلیل نبود مقررات خاص، ناچار به استناد به قواعد کلی مسئولیت مدنی یا مقررات پراکنده مرتبط شده‌اند که اغلب پاسخگوی نیازهای پیچیده جرایم سایبری نیستند. این وضعیت موجب کاهش اثربخشی نظام قضایی در حمایت از حقوق کاربران و کاهش اعتماد عمومی به عدالت شده است. بنابراین، آموزش و آگاهی‌بخشی تخصصی به قضات در زمینه فناوری‌های نوین و بسترهای تجارت الکترونیک امری حیاتی است. تدوین دستورالعمل‌های تخصصی برای قضاوت در دعاوی مرتبط با داده‌های دیجیتال می‌تواند به یکپارچگی رویه قضایی کمک کند و تصمیم‌گیری‌های حقوقی را مستدل‌تر و دقیق‌تر سازد. این آموزش‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که قضات را با ویژگی‌های خاص داده‌های تجاری، قراردادهای هوشمند و فناوری بلاک‌چین آشنا کنند و آنها را در مواجهه با چالش‌های نوین حقوقی توانمند سازند.

از سوی دیگر، در حوزه قانونگذاری نیز نیاز به بازنگری و تدوین مقررات جدید به شدت احساس می‌شود. قوانین موجود غالباً پاسخگوی پیچیدگی‌های فناوری‌های جدید نیستند و به دلیل نبود تعاریف جامع و یکپارچه از دارایی‌های دیجیتال و داده‌های تجاری، نواقع قانونی فراوانی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین نیازهای قانونگذاری، تعریف دقیق و جامع از مفاهیمی همچون «دارایی‌های دیجیتال»، «داده‌های تجاری» و «پلتفرم‌های تجارت الکترونیک» است. این تعاریف باید در قالب قوانین مدون ارائه شوند تا زمینه برای ایجاد ضمانت‌های اجرایی مناسب و تضمین حقوق مالکیت فراهم شود. افزون بر آن، پیش‌بینی مسئولیت بدون تقصیر (strict liability) برای پلتفرم‌ها در زمینه افشای داده‌های تجاری می‌تواند به شفاف‌سازی مسئولیت‌ها و افزایش سطح حفاظت حقوقی منجر گردد. این مسئولیت، به ویژه در شرایطی که پلتفرم‌ها از لحاظ فنی یا قراردادی کنترل داده‌ها را در اختیار دارند، می‌تواند بازدارندگی بیشتری ایجاد کند و از بروز خسارات گسترده جلوگیری نماید.

یکی از ابعاد نوین حقوق تجارت الکترونیک، قراردادهای هوشمند هستند که به واسطه فناوری بلاک‌چین امکان اجرای خودکار و غیرقابل تغییر مفاد قراردادها را فراهم می‌آورند. با توجه به رشد روزافزون استفاده از قراردادهای هوشمند در ارائه خدمات دیجیتال، لازم است قوانین مرتبط با این نوع قراردادها و فناوری زیربنایی آنها به‌روزرسانی و تکمیل شود. تدوین مقررات خاص در این زمینه می‌تواند امنیت حقوقی قراردادها را تضمین کند و با روشن‌سازی مسئولیت‌های قانونی طرفین، به کاهش اختلافات و دعاوی کمک نماید. همچنین، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد فناوری بلاک‌چین مانند شفافیت، تغییرناپذیری و غیرمتمرکز بودن، قانونگذار باید ضمن حفظ مزایای فناوری، چارچوب‌هایی برای کنترل و نظارت بر این سیستم‌ها تعیین کند تا از سوءاستفاده‌ها و نقض حقوق کاربران جلوگیری شود.

بهبود چارچوب قانونی در زمینه مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک و حفاظت از داده‌های تجاری کاربران، آثار و پیامدهای مهمی در سطح کلان اقتصادی و اجتماعی نیز دارد. نخست آنکه ایجاد امنیت حقوقی و تضمین حفظ حریم خصوصی کاربران، به افزایش اعتماد عمومی در استفاده از فناوری‌های نوین و بازارهای دیجیتال منجر خواهد شد. این اعتماد، بستر لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات را فراهم می‌کند و از این طریق موجبات رشد اقتصادی و توسعه بازارهای دیجیتال را فراهم می‌آورد. در واقع، نبود قوانین روشن و قابل اجرا می‌تواند باعث بی‌اعتمادی مصرف‌کنندگان و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران گردد که در نهایت به کندی رشد فناوری‌های نوین خواهد انجامید.

پیامد دیگر بهبود قوانین، افزایش سطح حمایت از حقوق کاربران و ایجاد تعادل مناسب بین منافع کاربران و پلتفرم‌ها است. قانون‌گذاری موثر می‌تواند موجب افزایش مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌ها شده و آنها را ملزم به اتخاذ تدابیر امنیتی و حریم خصوصی مناسب نماید. این امر علاوه بر حمایت از حقوق فردی، از بروز خسارات مالی و معنوی گسترده جلوگیری کرده و سلامت بازار تجارت الکترونیک را تضمین می‌کند. افزون بر این، قانون‌گذاری دقیق می‌تواند راه را برای شکل‌گیری سیاست‌های کلان فناوری باز کند که در آنها توسعه فناوری، امنیت داده‌ها و حمایت از حقوق کاربران به طور متوازن مورد توجه قرار گیرند.

در نهایت، آثار حقوقی این نتایج بر سیاست‌های قضایی نیز تأثیرگذار خواهد بود. قضات با برخورد با پرونده‌های مرتبط با افشای داده‌های تجاری، نیازمند راهنمایی‌های حقوقی مشخص و مستند هستند که به طور واضح چارچوب مسئولیت‌ها و حقوق طرفین را تبیین کند. به‌روزرسانی رویه قضایی و توسعه نظریات حقوقی در این زمینه می‌تواند به ایجاد امنیت قضایی و اجرای عدالت کمک کند. همچنین، افزایش همکاری بین نهادهای قضایی، قانون‌گذاری و بخش خصوصی در تدوین و اجرای قوانین مرتبط با تجارت الکترونیک و فناوری‌های نوین، به رفع خلأهای قانونی و بهبود نظام حقوقی کشور یاری خواهد رساند.

بنابراین، آثار و پیامدهای حقوقی نتایج به دست آمده بسیار فراتر از مسائل صرفاً حقوقی است و شامل ابعاد گسترده‌تری از فناوری، اقتصاد و جامعه می‌شود. برای برخورداری از بازارهای دیجیتال پویا، عادلانه و امن، لازم است قانونگذاران، قضات و پژوهشگران با همکاری و تلاش مستمر، چارچوب‌های قانونی مناسب را تدوین و اجرا کنند که پاسخگوی نیازهای امروز و آینده فناوری‌های نوین باشد. چنین چارچوب‌هایی علاوه بر حمایت از حقوق کاربران، زمینه‌ساز توسعه فناوری و اقتصاد دیجیتال نیز خواهند بود و اعتماد عمومی را به سطح مطلوبی ارتقا خواهند داد. پیشنهادهایی که از این پژوهش حاصل می‌شود شامل اصلاح و به‌روزرسانی قانون تجارت الکترونیک با تمرکز بر تضمین حفظ محرمانگی داده‌ها و مسئولیت حقوقی دقیق پلتفرم‌هاست. علاوه بر این، ایجاد نهادهای نظارتی تخصصی برای پایش و بررسی تخلفات در زمینه افشای داده‌ها می‌تواند ضمانت اجرایی مهمی باشد. قانون‌گذاران می‌توانند از تجارب موفق بین‌المللی مانند مقررات GDPR بهره ببرند و سازوکارهایی را برای جبران خسارات بدون نیاز به اثبات تقصیر ارائه دهند. همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و وکلای حوزه حقوق سایبری و تجارت الکترونیک جهت ارتقاء دانش و مهارت آنها ضروری است. پژوهشگران آینده نیز می‌توانند با تحلیل تطبیقی دقیق‌تر، تاثیر فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین بر مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها را بررسی کرده و راهکارهای نوآورانه ارائه نمایند.

**منابع :**

**منابع ایرانی****کتاب‌ها:**

- میرزایی، سعید. (۱۳۹۷). حقوق تجارت الکترونیک. تهران: انتشارات میزان.
- قاسمی، محمد. (۱۳۹۸). حقوق سایبری و جرایم رایانه‌ای. تهران: نشر دادگستر.
- رضایی، علی. (۱۳۹۶). قراردادهای الکترونیکی و مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات نگاه دانش.
- جمشیدی، زهرا. (۱۳۹۵). حقوق تجارت بین‌الملل و فناوری اطلاعات. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی، مهدی. (۱۳۹۹). قانون جرایم رایانه‌ای با شرح و تفسیر. تهران: نشر میزان.

**مقالات:**

- ملکی، رضا. (۱۳۹۸). «مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در ایران». مجله مطالعات حقوقی، شماره ۴۲، صص. ۷۸-۵۶.
- نیکزاد، مریم. (۱۳۹۷). «چالش‌های حقوقی قراردادهای هوشمند در نظام حقوقی ایران». فصلنامه حقوق فناوری، شماره ۱۲، صص. ۹۰-۱۱۲.
- کاظمی، امیر. (۱۳۹۹). «حقوق مالکیت داده‌ها در فضای سایبری». مجله حقوق تجارت، شماره ۳۵، صص. ۱۱۰-۱۳۲.
- طاهری، سارا. (۱۳۹۶). «مسئولیت کیفری در جرایم رایانه‌ای». مجله حقوق کیفری، شماره ۱۸، صص. ۴۶-۲۵.
- بابایی، مونا. (۱۳۹۸). «تحلیل حقوقی حفاظت از داده‌های تجاری در قراردادهای الکترونیکی». مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۷، صص. ۷۸-۹۹.

**پایان نامه‌ها:**

- رضایی، زهرا. (۱۳۹۷). «مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در افشای داده‌های مشتریان». دانشگاه تهران.
- کمالی، علی. (۱۳۹۸). «بررسی حقوقی قراردادهای هوشمند و مسئولیت مدنی مرتبط». دانشگاه شهید بهشتی.
- احمدی، سارا. (۱۳۹۹). «نقش فناوری بلاک‌چین در حفظ حریم خصوصی در فضای سایبری». دانشگاه آزاد اسلامی.
- موسوی، محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی قوانین حمایت از داده‌های شخصی در ایران و اروپا». دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوری، مهدی. (۱۳۹۷). «مسئولیت کیفری ناشی از افشای داده‌های تجاری در پلتفرم‌های تجارت الکترونیک». دانشگاه علامه طباطبایی.

**اسناد و سایت‌ها:**

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). گزارش وضعیت حقوقی حفاظت از داده‌ها در ایران. <https://rc.majlis.ir/fa/report>
- سازمان فناوری اطلاعات ایران. (۱۳۹۸). راهنمای مقررات تجارت الکترونیک. <https://ito.gov.ir/regulations>
- قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۷). آرای وحدت رویه مرتبط با جرایم رایانه‌ای. <https://dadgah.ir/araye-vahdat>
- مرکز ملی فضای مجازی. (۱۳۹۹). سیاست‌های کلان حفاظت از داده‌های شخصی. <https://cyber.gov.ir/policies>
- انجمن حقوق سایبری ایران. (۱۳۹۸). چالش‌های حقوقی فناوری بلاک‌چین. <https://cyberlaw.ir/blockchain>

**Books:**

Kuner, Christopher. (۲۰۱۷). *The GDPR: Understanding the General Data Protection Regulation*.

Oxford: Oxford University Press.

Lessig, Lawrence. (۲۰۰۶). *Code: Version ۲.۰*. New York: Basic Books.

Schwartz, Paul M., and Solove, Daniel J. (۲۰۱۴). *Privacy Law Fundamentals*. New York: IAPP Press.

Bernal, Paul. (۲۰۱۸). *Internet Privacy Rights: Rights to Protect Autonomy*. Cambridge: Cambridge University Press.

Brenner, Susan W. (۲۰۱۰). *Cybercrime: Criminal Threats from Cyberspace*. Santa Barbara: Praeger.

**Articles:**

Greenleaf, Graham. (۲۰۱۸). "Global Data Privacy Laws ۲۰۱۷: ۱۲۰ National Data Privacy Laws,

Including Indonesia and Turkey." *Privacy Laws & Business International Report*, Issue ۱۴۷, pp. -۱۰

Kesan, Jay P., and Hayes, Thomas. (۲۰۱۷). "Cybersecurity Regulation: A Comparative Analysis." *Journal of Internet Law*, ۲۰(۵), pp. ۲۰-۳

Finck, Michèle. (۲۰۱۹). "Blockchain and the General Data Protection Regulation: Can Distributed Ledgers Be Squared with European Data Protection Law?" *European Data Protection Law Review*, ۵(۱), pp. ۳۵-۱۷

Smith, Richard, and Easton, Martin. (۲۰۱۶). "The Role of Smart Contracts in Commercial Transactions." *Journal of Business Law*, ۳۳(۴), pp. ۲۲۳-۲۰۰

McGeeveran, William. (۲۰۱۵). "Platform Liability in E-Commerce: A Critical Overview." *Harvard Journal of Law & Technology*, ۲۸(۲), pp. ۴۴۳-۳۹۹

**Documents:**

Johnson, Laura. (۲۰۱۹). "Legal Responsibilities of E-Commerce Platforms in Protecting Consumer Data." Harvard Law School.

Patel, Arjun. (۲۰۱۸). "Smart Contracts and Consumer Protection: A Comparative Legal Analysis." University of Cambridge.

Miller, David. (۲۰۱۷). "Privacy Challenges in Blockchain Technology." Stanford University.

Chen, Ying. (۲۰۲۰). "Cybersecurity Regulations and Their Impact on E-Commerce Liability." Yale University.

Lopez, Maria. (۲۰۱۹). "The Role of Artificial Intelligence in Preventing Data Breaches." University of Oxford.

European Union. (۲۰۱۶). General Data Protection Regulation (GDPR). <https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/۲۰۱۶/۰۹/oj>

United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL). (۲۰۱۷). Model Law on Electronic Commerce. <https://uncitral.un.org/en/texts/ecommerce/modellaw/electronic-commerce>

Federal Trade Commission (FTC). (۲۰۲۰). Protecting Consumer Privacy in an Era of Rapid Change. <https://www.ftc.gov/reports/protecting-consumer-privacy-era-rapid-change>

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (۲۰۱۹). Guidelines on the Protection of Privacy and Transborder Flows of Personal Data. <https://www.oecd.org/sti/ieconomy/privacy-guidelines.htm>

International Telecommunication Union (ITU). (۲۰۱۸). Cybersecurity Legal Measures. <https://www.itu.int/en/ITU-D/Cybersecurity>